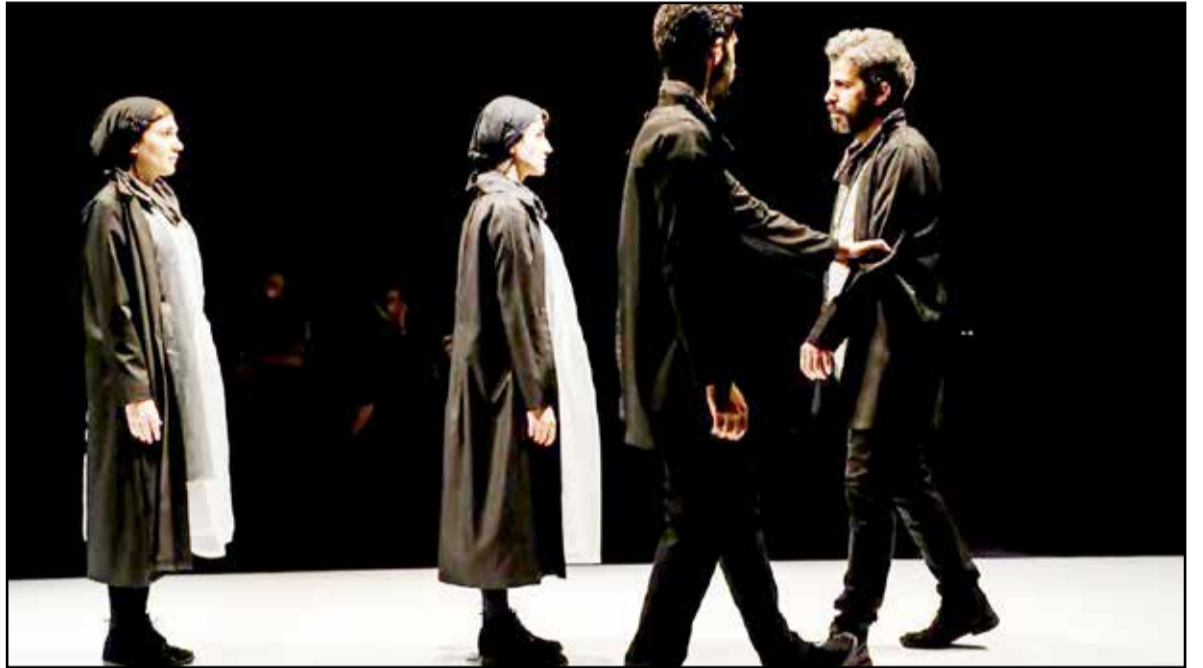


نگاهی به فضای نقد در تئاتر ایران

پیش به سوی نظریه نقد آهسته



سید حسین رسولی

نقد و نقادی در فضای تئاتر ایران با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شده است و قطعاً این موضوع یک امر جهانی است و تنها مختص به جغرافیای ایران نیست. ولنگانگ اشپیندلر (خبرنگار یورونیوز) می‌گوید: «من خبرنگار سیاسی نیستم و خبرنگار فرهنگی هستم. پیش آمده که گاهی اوقات برخی نشرکت‌ها و کمپانی‌های فیلمساز یک فیلم تولید کرده‌اند و ما می‌خواستیم راجع به آن محصول خبر بگیریم اما آن شرکت در راه تهیه خبر درباره آن محصول محدودیت‌هایی ایجاد می‌کرد اما من باید راه‌هایی را پیدا می‌کردم تا برای پوشش آن رویداد به آن نزدیک شوم.» وی در ادامه می‌افزاید: «من حدود ۳۰ سال است که برای یورونیوز کار می‌کنم و ۵۸ سال سن دارم و حقوق نسبتاً خوبی دارم و سایر مالی خوبی نیز از طرف رسانه خود می‌شوم اما حقوق و دستمزد اهالی رسانه روز به روز کاهش پیدا می‌کند و متأسفانه افرادی که به تازگی وارد این حرفه شده‌اند با قیمت‌های بسیار پایین‌تر حاضر به کار در رسانه هستند. از طرف دیگر به دلیل گسترش اینترنت و فضای مجازی میزان استقبال از روزنامه‌ها و رسانه‌های مکتوب بسیار کاهش پیدا کرده است و صاحبان نشریات؛ کالای خود را به سختی می‌توانند بفروشند همچنین امروز دیگر مدیران رسانه نیازی نمی‌بینند که برای پوشش یک رویداد؛ خبرنگاران خود را از

اروپا و آمریکا به کشورهای دیگر اعزام کنند. این مشکلات در ایران دوچندان می‌شود. افراد نابلدی در حوزه‌های گوناگون رسانه‌ای کار می‌کنند که مدام به خبرنگاران و منتقدان تئاتر تاکید می‌کنند در گزارش‌ها و مصاحبه‌ها به سلبریتی‌ها بپردازند. این سلبریتی‌ها تمام فضای مجازی را هم در دست گرفته‌اند و انگار یک کارتل رسانه‌ای در اختیار دارند. جالب است که وقتی به مسوولان می‌گویید که باید به هنر تئاتر و کیفیت اجراهای روی صحنه بپردازید و فوراً گارد می‌گیرند و می‌گویند اگر بلد هستید باید به سلبریتی‌ها بچسبید و یک لاسرگ اسم مشهور هم برای مار دین کنید. وظیفه نقد و اندیشه انتقادی و پژوهش کیفی هم که باد هواست. دستمزد خبرنگاران را هم اغلب پرداخت نمی‌کنند و قرار دادی هم در کار نیست و این‌جا مشکل دیگری هم وجود دارد. برخی نقدها از فضای آکادمیک و نظریه پردازانه دور شده‌اند و به سوی نقدهای رانتی و رفاقتی رفته‌اند. گروه‌هایی هم هستند که به واسطه زدن بند سازمان‌های گوناگون دولتی، جریان نقد دولتی را تشکیل داده‌اند و این امر به استقلال منتقد و نویسنده تئاتر ضربه مهلک و جدی زد است. این گروه‌های نقد دولتی در جشنواره‌های دولتی حاضر هستند و به راحتی چشمان خود را روی صحنه‌های مدیریتی و جوایز سفارشی می‌بندند و فضای عجیبی شکل گرفته است. نکته اساسی دیگر

رفتار هنرمندان با منتقدان است. آنان تلاش می‌کنند منتقدان را به سمت خود جذب کنند و با پول و مهمانی و بلیت رایگان، نقدهایی را که دوست دارند به دست می‌آورند. چند روز پیش برای یکی از کارگردانان قدیمی تئاتر ایران، نقدی نوشتیم که فوراً تماس گرفت و گفت چون من را نقد کردید دیگر با شما مصاحبه نخواهم داشت و در هر رسانه‌ای باشید دیگر به آن رسانه یادداشت نمی‌دهم و قطعاً شما موظف هستید که از من تعریف کنید! فردی دیگر تماس گرفت و گفت که چون نقدی درباره تئاتر مانوشته نمی‌شود به شما پول می‌دهیم تا نقدی خواه مثبت خواه منفی برای اجرای ما بنویسید! اهالی رسانه هم به دلیل مشکلات مالی به سوی شغل روابط عمومی رفته‌اند و نقدهای سفارشی و خنده‌داری را تولید کرده‌اند و اگر نقدهای تندی را به کارگردانی وارد می‌کنند در واقع برای او پیامی می‌فرستند که من می‌توانم شما را در رسانه خود نقد کنم و باید حتماً به عنوان روابط عمومی من ربه کارتان دعوت کنید تا نقد نشوید! در واقع یک نوع زد و بند غیر اخلاقی در جریان است. خبرنگاری که روابط عمومی ضعیف‌ترین اجراهای تئاتر است درباره حضور سلبریتی‌ها در تئاتر نقد نوشته است ولی خود او در تبلیغ این آثار پیش‌تاز است! این وسط جریان‌های گوناگون نقد سطحی در فضای مجازی هم شکل گرفته است که گاهی نقدهای تند و تیزی هم منتشر

منتقدان ایرانی گویا خارج از گود تولید و مصرف تئاتر نیستند و دلیل اصلی آن هم منطق سرمایه‌داری حاکم بر تئاترهای ایران است. اگر می‌خواهیم در تئاتر پیشرفت کنیم باید جریان نقد مستقل تئاتر را تقویت کنیم. به نظر باید نقد‌ها مانند آثار هنری به آهستگی پیش بروند و صدای هنرمندان را هم در فراد مومتمن (کارگردان سینما) می‌گوید: «مواجهه با نقد منفی سکوت و تواضع است؛ «لقبا» را یاد بگیریم.» وی در ادامه می‌گوید: «قرار نیست وقتی منتقدی بر روی فیلم ما، نقد منفی یا تندی می‌نویسد یا جانی مطرح می‌کند، با تهنیه‌کننده و همکار و دوست و طرفدار و حامی و وکیل و وصی و... در تلویزیون و تلگرام و اینستاگرام من ربه کارتان دعوت کنید تا نقد نشوید! در واقع یک نوع زد و بند غیر اخلاقی در جریان است. خبرنگاری که روابط عمومی ضعیف‌ترین اجراهای تئاتر است درباره حضور سلبریتی‌ها در تئاتر نقد نوشته است ولی خود او در تبلیغ این آثار پیش‌تاز است! این وسط جریان‌های گوناگون نقد سطحی در فضای مجازی هم شکل گرفته است که گاهی نقدهای تند و تیزی هم منتشر

تئاتری ایران به این نتیجه رسیده‌ام که تئاتر ایران از «کنونیت» و «تاریخ اکتون» خالی شده است و با متون بسیار محدودی در این زمینه مواجه می‌شویم. اداره سانسور و کارگردانان محافظه‌کار و گیشه‌دوست به سوی تئاتری اخته و الکن رفته‌اند که اغلب در آن با متون ترجمه‌ای و تاریخ گذشته مواجه هستیم. مفهوم «رنالیسم انتقادی» را گئورگ لوکاج در برابر انواع رنالیسم‌های دیگر از جمله «رنالیسم سوسیالیستی» دوران استالین و «رنالیسم واپس‌گرای» اروپایی معرفی کرده است که به کار ما می‌آید. این رنالیسم مثلاً توماس مان را به فرانتس کافکا ترجیح می‌دهد. ما در سینما هم با مثلاً موج نوی سینمای رومانی مواجه هستیم که به سوی رنالیسم انتقادی رفته است و مردمی را به تصویر می‌کشند که با رنج و مشکلات اداری امروز دست به گریبان هستند. کارگردانی مثل کن لوج هم به مردم امروز و اکنون می‌پردازد و مثلاً در فیلم «پنجانب؛ دنیل بلیک» مردی را نشان می‌دهد که با بوروکراسی حاضر در صنعت بیمه در بریتانیا درگیر است و حق و حقوق او نادیده گرفته شده است. سیمون دوبووار در کتاب «زن در هم شکسته» یا «زن و انهاد» به داستان زنی می‌پردازد که عمری عاشقانه با همسرش زندگی کرده و همه عمر را وقف شوهر و بچه‌هایش کرده و عشق آنان برایش بس بوده اما اکنون می‌فهمد شوهرش با زن دیگری رابطه دارد و حاضر به ترک معشوقه‌اش نیست. این کتاب تک‌گویی‌های زنی چهل‌واندی ساله است که بحران ۴۰ سالگی و خیانت همسر را از سر می‌گذراند. مونیک درست در لحظه‌ای که احساس می‌کند از مسئولیت‌هایش در قبال خانواده تا اندازه‌ای فارغ شده - دو دخترش بزرگ شده‌اند و دیگر نزد آنها زندگی نمی‌کنند - می‌تواند آزاد و رها ساعت‌هایش را هر طور دوست دارد بگذراند، با بحران تنهایی روبه‌رو می‌شود. او بعد از سال‌ها زندگی در خدمت دیگران، با دشواری لذت‌بردن از این آزادی مواجه می‌شود. آنچه رنج مونیک را چند برابر می‌کند این است که می‌فهمد زن دیگری در زندگی همسرش، موریس، وارد شده و حالا باید جنگ دیگری آغاز کند. این داستان به خوبی انضمامی عمل می‌کند و اتفاقاً می‌تواند به مخاطبان، چگونگی تصمیم‌گیری در بحران‌ها و

برخی اهالی رسانه به دلیل مشکلات مالی به سوی شغل روابط عمومی رفته‌اند و نقدهای سفارشی و خنده‌داری را تولید می‌کنند در واقع برای او پیامی می‌فرستند که حتماً ربه کارتان دعوت کنید تا نقد نشوید!

شرایط دشوار را آموزش دهد و از سوی شمه‌ای از تاریخ دوران سیمون دوبووار را هم نمایش می‌دهد. ما احتیاج به چنین آثاری روی صحنه تئاتر داریم و منتقدان هم می‌توانند با پیشنهادات و ارائه نقطه‌نظر خود این رویکردها را جا بیندازند. اگر به سینمای آمریکا نگاه کنیم متوجه می‌شویم منتقدی به اسم راجر ایبرت، کارگردانی به نام مارتین اسکورسیزی جوان را به سینما معرفی کرده است اما این اتفاق با فشارهایی که بر منتقدان ایرانی وارد می‌شود تبدیل به امری محال شده است. علاوه بر این کارگردانی به نام شانتال آکر من بلژیکی فیلمی به نام «ژان دیلمن»، شماره ۲۳ خیابان کامرس کوئی، ۱۰۸۰ بروکسل» (۱۹۷۵) را می‌سازد که تاثیر چشم‌گیری بر سینمای مستقل و انتقادی گذاشته است. داستان فیلم درباره زن خانه‌داری است که از راه تن‌فروشی زندگی می‌کند و خرج خود و پسرش را درمی‌آورد. روزنامه نیویورک تایمز آن را نخستین شاهکار واقعی زنان در تاریخ سینما خواند. از سوی دیگر، منتقدی مانند مارتین اسلین توانست جریان‌های جدید و نوظهور ادبیات نمایشی در اروپای قرن ۲۰ را بررسی و به مخاطبان تئاتر معرفی کند. نویسندگانی چون ساموئل بکت، هارولد پینتر، اوزن بونسکو که همگی توانستند نوبل ادبی را هم دریافت کنند ولی منتقدان ایرانی گویا خارج از گود تولید و مصرف تئاتر ایستاده‌اند و دلیل اصلی آن هم منطق سرمایه‌داری حاکم بر تئاترهای ایران است. اگر می‌خواهیم در تئاتر پیشرفت کنیم باید جریان نقد مستقل تئاتر را تقویت کنیم. به نظر باید نقدها مانند آثار هنری که آهسته آهسته به آهستگی پیش بروند.

اخبار نمایش

بازگشت مسافر آستانه به تئاتر با «برگشتن»



حسین مسافر آستانه که این روزها مدیریت تماشاخانه ایرانشهر را بر عهده دارد، قصد دارد پس از ۹ سال دوری از کارگردانی بانمایش «برگشتن» به دنیای کارگردانی بازگردد. حسین مسافر آستانه که در سال‌های گذشته در نمایش‌هایی چون «جان گز» و «لاله زار، هتل کاتوزیان» ایفای نقش کرده بود، تصمیم گرفته است بعد از ۹ سال دوری از کارگردانی تئاتر، نمایش «برگشتن» را از آبان ماه سال جاری در سالن چهارسوی مجموعه تئاتر شهر به صحنه برد. آخرین کارگردانی مسافر آستانه به نمایش «تمام صبح‌های زمین» در سال ۱۳۸۹ در تماشاخانه ایرانشهر بازمی‌گردد؛ هر چند او در چند مراسم، قطعات نمایشی را کارگردانی کرده بود. حسین مسافر آستانه در سال‌های اخیر بیشتر وقت را به مدیریت در چند سالن، داری جشنواره‌ها و اداره ستادهای اجرایی صرف کرده بود.

مسعود دلخواه با یک کمدی به ایرانشهر می‌رود



مسعود دلخواه از ۱۶ آبان‌ماه در سالن سمندریان تماشاخانه ایرانشهر، نمایش کمدی «هیچ چیز جدی نیست» را روی صحنه می‌برد. این اثر نوشته رچ اورلاف است. س‌از عدم تکرار موفقیت «مفیستو» در «شاهلیبر»، مسعود دلخواه تصمیم دارد نمایش «هیچ چیز جدی نیست» را در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه برد. این نمایش کمدی داستان گروه تئاتری است که قصد دارد تلفیقی از آثار شکسپیر، بکت، پینتر و اورلاف را به شیوه پست مدرن اجرا کند؛ اما آن چنان درگیر حواشی می‌شوند که اتفاقات غیرمنتظره‌ای پیش می‌آید. مسعود دلخواه پیشتر یکی از آثار اورلاف را در تماشاخانه سابق باران نمایشنامه خوانی کرده بود. قرار است این نمایش از ۱۶ آبان تا ۱۶ آذر در سالن استاد سمندریان ایرانشهر اجرا شود.

دیدار امیر رضا کوهستانی با دانشجویان در «عصر تجربه»

امیر رضا کوهستانی روز ۲۶ مهر ماه در «تئاتر مستقل تهران» با دانشجویان هنرهای نمایشی به گفتگویی نشست. رابط عمومی تئاتر مستقل تهران خبر داد این جلسه با هدف مرور و انتقال تجربه‌های یک چهره معتبر هنر تئاتر در قالب سومین رپرتوار «عصر تجربه» برنامه‌ریزی شده که طی آن امیر رضا کوهستانی به عنوان نمایشنامه‌نویس و کارگردان موفق ایرانی در عرصه داخلی و خارجی با دانشجویان به‌گپ و گفت می‌نشیند. امیر رضا کوهستانی متولد ۱۳۵۷ در شیراز، نمایشنامه‌نویس و کارگردان شناخته‌شده تئاتر ایران در عرصه بین‌المللی و سرپرست گروه تئاتر «مهر» است. نام او ابتدا در سال ۷۸ و با نگارش نمایشنامه «قصه‌های در گوشی» سر زبان‌ها افتاد اما دو سال بعد با نگارش و کارگردانی نمایش «قص روی لیوان‌ها» عملاً خود را بعنوان استعداد نوظهور و چهره‌ای خلاق، به تئاتر ایران معرفی کرد. «قص روی لیوان‌ها» بعنوان دومین تجربه جدی کارگردانی این هنرمند، بعد از حضور موفق در جشنواره تئاتر دانشگاهی به هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر (۱۳۸۰) راه یافت، جایی که با استقبال تماشاگران، هنرمندان و منتقدان مواجه شد و دعوت فستیوال‌های بین‌المللی را در پی داشت.



مجموعه واقع در طبقه سوم تئاتر شهر مراجعه کنید. برای کسب آخرین اطلاعات و اخبار تئاتر شهر به سایت این مجموعه به آدرس www.city.theater.ir و کانال تلگرام [@Tehran_city_theater](https://t.me/Tehran_city_theater) مراجعه کنید.

فرش قرمز تئاتر شهر برای «کتاب‌های نو»

فرخاوان برگزاری نشست‌های پژوهشی و رونمایی از کتاب‌های حوزه تئاتر در مجموعه تئاتر شهر با دعوت از تمامی ناشران فعال در این حوزه منتشر شد. به گزارش دفتر ارتباطات، آموزش و پژوهش مجموعه تئاتر شهر فرخاوان برگزاری نشست‌های پژوهشی کتاب‌محور و همچنین جشن‌های رونمایی از کتاب‌های حوزه تئاتر را با عنوان «کتاب‌نو» منتشر کرد. در این فرخاوان آمده است: «مجموعه تئاتر شهر از دیرباز کوشیده است در کنار فراهم‌سازی فضای پویا جهت اجرای آثار نمایشی، به توسعه دانش و گفت‌وگو پیرامون حوزه‌های نظری و مکتوب هنرهای

انتشارات و مهم‌تر به‌نشان رسمی آن ۲- ارائه معرفی مختصری از کتاب، ضرورت انتشار و ویژگی‌های ارزنده آن در ۵۵۰ کلمه ۳- ارائه اطلاعاتی در زمینه‌ی معرفی سخنرانان و کارشناسان مدعو به نشست ۴- ارائه ۴ نسخه کتاب به مجموعه تئاتر شهر علاقه‌مندان می‌توانند تمامی موارد اول تا سوم را در قالب یک فایل PDF به آدرس Tehran.citytheater@gmail.com ارسال کرده تا در اسرع وقت به تقاضاهای مذکور پاسخ داده شود. همچنین برای تحویل حضوری درخواست خود می‌توانید همه روز بجز شنبه‌ها از ساعت ۱۷ تا ۲۱ به واحد ارتباطات، پژوهش و آموزش

مجموعه واقع در طبقه سوم تئاتر شهر مراجعه کنید. برای کسب آخرین اطلاعات و اخبار تئاتر شهر به سایت این مجموعه به آدرس www.city.theater.ir و کانال تلگرام [@Tehran_city_theater](https://t.me/Tehran_city_theater) مراجعه کنید.